

تابستان زمان اجرای مقاصد نیک است: تعطیلات به خاطر استراحت و سلامت، اندکی ورزش به منظور به دست آوردن استحکام دوباره عضلات سست شده و شاید هم اندکی رژیم غذایی. اما به این «کلمه‌های قصار» می‌توان یک نکته دیگر را نیز افزود: تلاش برای رهایی از «تلویزیون زدگی» و غالب شدن بر اعتیاد به ویدئو. در ضمن بدن نیست انسان به صنفی که اندکی خلاقتر و صمیمی‌تر است، بیوندد تا از انگهایی چون «بلاهت‌زده» و «فریب‌خورده» رهایی یابد. کافی است امتحان کنید. پایان فصل زمان مناسبی است. زیرا در آن زمان تلویزیون به تعطیلات می‌رود (و روی پرده کوچک، نمایش چندین باره پرده‌ها، مراسم فستیوالها و ته‌مانده‌های انبارها سرازیر می‌شود) و در همین حال روی پرده ویدئو اتفاقی می‌افتد که «فردیناندو کامون» در یکی از مطالب اخیر خود در روزنامه «استامپا» از آن با عنوان «خواب فصلی» یاد کرده است.

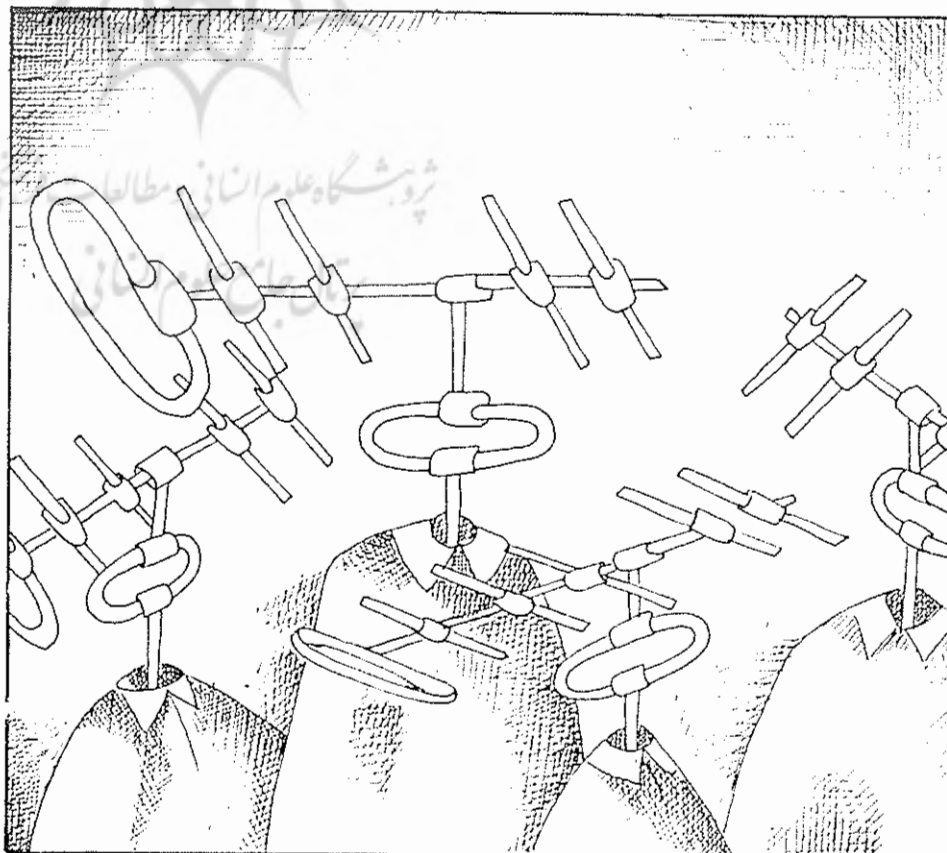
قدر مسلم اینکه این کار، آسان نیست و حراهای ناشی از پرهیز از نمایش سریال دیناستی یا شوه‌های «فانتاستیکو» (از برنامه‌های پربیننده تلویزیون ایتالیا-م) در کمین هستند. بخصوص برای آن ۸۷/۶ درصد از خانواده‌های ایتالیایی، طبق آخرین آمارهای سازمان آمار ایتالیا که به طور مرتب روزانه ساعت‌های مدیدی پای تلویزیون می‌نشینند. حال آمریکا بماند که در آن حد متوسط، استفاده از تلویزیون در سال ۸۸ معادل با هفت ساعت و سه دقیقه در روز برای هر فرد بوده است، یعنی دو دقیقه بیشتر از سال قبل. با وجود این، دقیقاً از آمریکا نخستین نشانه‌های مخالفت با دیکتاتوری ویدئو مشاهده شده است، و از آنجایی که این نشانه‌ها از جانب «تد کاپل»، سلطان شومن‌ها و گرداننده «نایت‌لاین»، برنامه‌ای با هفت میلیون بیننده ابراز شده، جنجال برانگیزتر به نظر می‌رسد. روزنامه‌نگار، تلویزیون را متهم می‌کند که با پیامهای سریع، اطلاعات مسلسل‌وار، فشرده‌ای و قرص‌مانند خویش به شکل مخاطره‌آمیزی از توان دقت کافی افراد روی وقایع و تمرکز حواس آنها کاسته است، تا جایی که قدرت مطالعه یک کتاب را از افراد تلویزیون‌زده سلب می‌کند.

به وطن خود بازگردیم، جایی که نظریه‌پردازان «ویدئو، خاموش» هیچ‌وقت از پای ننشسته‌اند. افرادی نظیر «تومازوندولفی» نویسنده امروزه کم نیستند. او در سالهای دهه ۵۰ در بدو پیدایش تلویزیون از نخستین کسانی بود که تحریم خود را اعلام کرد و در جایی نوشت: «مانند تمامی روشنفکران از تلویزیون منزجرم»، نمونه آن عالیجناب «جیلبرت بارونی» اسقف «رجیو امیلیا» است که در آستانه عید پاک اخیر یک روز روزه و امساک اعلام نمود که شامل پرهیز از تلویزیون هم بود! و جالبتر از آن، قضیه پنج راهبه فرقه کارملی بود که ماهها قبل در نیویورک پشت حجره‌های خود

در آغاز کسانی که «پرده کوچک» را به پای میز محاکمه می‌کشاندند، در اقلیت قرار داشتند. اما اکنون بر تعداد آنها افزوده شده تا جایی که «اتحادیه دفاع در برابر هجوم تلویزیون» تأسیس شده است. اتهام وارده مشخص است: تلویزیون جامع نیست و غیر تربیتی است.

زندگی بدون تلویزیون

مار یاسیمونتی
ترجمه: آنتونیا شرکاء



مگر بندی کردند تا علیه مقام ارشد جدید و «وین گرای» خود اعتراض کنند که می خواست تحت مقدس صومعه را با یک تلویزیون رنگی مدار کند. این «طنیان» آنها با پیروزی همه جنبه راهبه‌های یاغی به پایان رسید.

مسئله به همین جا خاتمه نمی یابد: یک کت تولید کننده قطعات الکترونیکی به نام «ونیر» تحت تاثیر تب «ویدئو، خاموش» که اینها در جوامع غربی شیوع پیدا کرده است، برای «یک دستگاه جدید تلویزیون وارد بازار ده که با شعار تبلیغاتی «کمتر اما بهتر تماشا دید» عرضه می شود.

جان کلام آنکه ما تنها نیستیم، بلکه در رافمان هواداران «نظریه‌ای» در حال رشد و هستند که معتقدند، «زندگی خوب، بدون یزیون ممکن است». البته هنوز رقم پیروان نظریه ناچیز است (طبق تحقیقات سازمان ر ایتالیا در سال ۲/۶،۸۶ درصد از ایتالیاییها حب تلویزیون نبوده یا در هر صورت تلویزیون د را هیچ وقت روشن نمی کردند) اما این رقم ما رو به افزایش است، آنهم افزایشی سریع. از ها گذشته چرا باید خود را با تلویزیون خفه د؟ این کار خوبی نیست و مغایر با اصول میط زیست بوده و پدیده شاخص جوامع عقب ده است. تاحدودی به عادت به سیگار شباهت د. رقم سیگاریهای پشیمان اکنون به فلک رید و هم اینک ساعتیهای استفاده فردی دندگان خردسال تلویزیون رو به کاهش رود. طبق تحقیقاتی در آمریکا این مقدار واقع از روزانه ۳ ساعت و ۴۹ دقیقه- در سال - به روزانه ۳ ساعت و ۲۰ دقیقه- در سال - رسیده است. گامی هر چند کوچک، اما دوار کننده است.

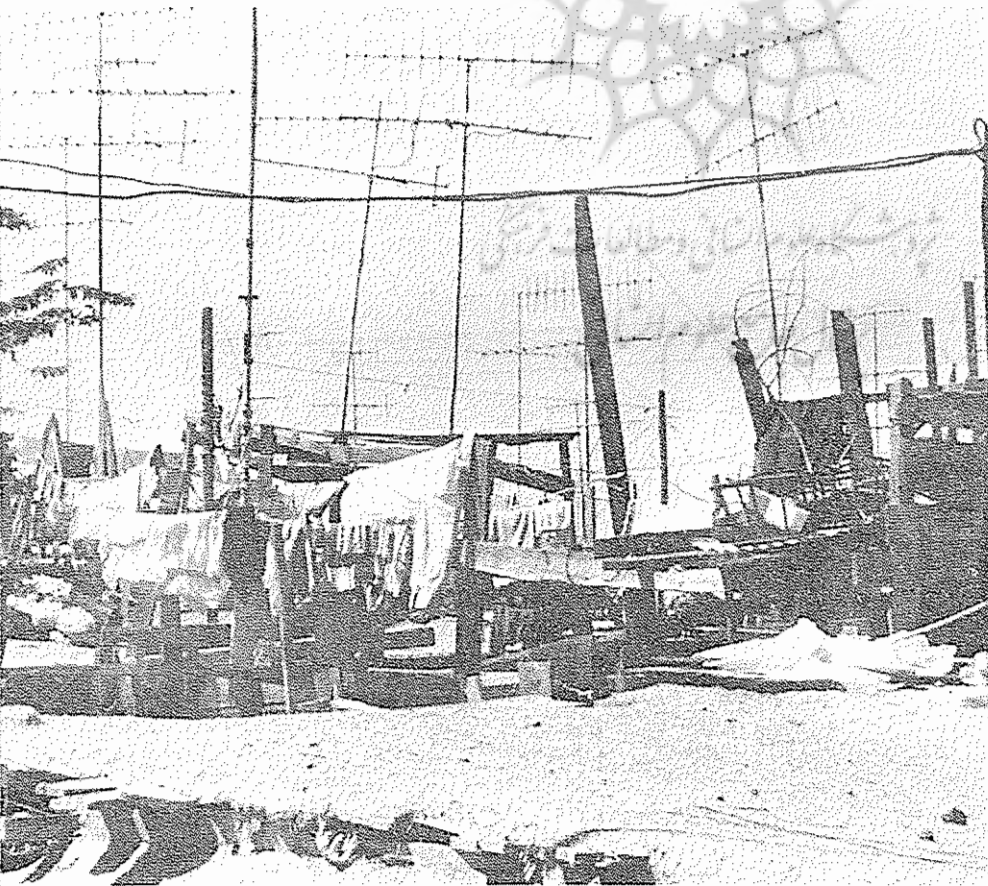
بیا بییم کمی از نزدیک با این مخالفان یزیون آشنا شویم. آنها در درجه اول (طبق قیقات سازمان آمار ایتالیا) اشخاصی هستند دارای تحصیلات عالی بوده و یا اینکه به حال عهده دار مشاغل فرهنگی می باشند. یک ونه آن «جورجیو مانگانلی» است که در کتاب ر خود با عنوان «تمرینهای سریع و ساده ی آموزش تاپ» یک صفحه کامل را به ریح انگیزه هایش برای نداشتن تلویزیون نصاص داده است. مانگانلی می گوید: «از این تگاه پرسروصدا که وارد خانه می شود و مدام جیف سرهم بندی می کند، و جز با درهم بستن آن نمی توان ساکتش کرد، بدم آید.» «اله میره زولا» در تایید سخن وی گوید، «تلویزیون شی بی خودی است که میل تلاف وقت و ضایع کردن ابلهانه آن را تشدید کند.» «گوئید و چرونتی» طبق معمول با ن نیشدار خود می گوید: «تلویزیون؟ براحتی کرش می شوم. از زمانی که وجود داشته، ی من وجود نداشته است» و «فدریکو فلینی مان می دارد که هیچ وقت تلویزیون تماشا ی کند، بلکه «سریا در آستانه در به آن نظر اندازد!» آخرین برنامه ای که فلینی به یاد

می آورد، برنامه مستندی درباره زندگی شاهماهی بوده است.

بنابر این افراد پاسخ یکصدایی به نظرخواهی داده اند و آن اینکه: تلویزیون جالب نیست، آن را خاموش کنیم. در اینجا ممکن است اعتراض شود که اینها رفتارهای روشنفکرانه و غرورآمیز خاص یک اقلیت است: آیا این صحت دارد؟ خواهیم دید. اما نخست خوب است نکته های را متذکر شویم و آن اینکه تلویزیون، فرزند دوران پس از جنگ، به عنوان یک وسیله الکترونیک خانوادگی به عنوان گرم کننده کانون خانوادگی پا به عرصه گذاشت. وسیله ای که همگی در کنار هم و با صمیمیت به تماشای آن می نشستند.

بنابر این صرفنظر از سن، برای کسانی که زندگی خانوادگی دارند، بیشتر خطر بردگی برای «مخدر»ی به نام تلویزیون وجود دارد (درحالی که «فرد مجرد» یا کاملاً وابسته به تلویزیون است، زیرا حتی شیها برای رفع تنهایی از آن به عنوان پس زمینه استفاده می کند یا اینکه اصلاً تلویزیون ندارد، زیرا همیشه مسانند «مسار کوبانلا» ره —————

تندرو، خارج از خانه به سر می برد). «ماریانو پانه» صاحب کشتی «ژوشنگر» در شرکت ایتال ماره، که روی میز دفتر کارش رمانهای جوزف پروث و توماس مان دیده می شوند، اظهار می دارد، «از بیست سال پیش



برای جمع بسیاری از خانواده‌ها، بعدها وقتی ازدواج کردم، تصمیم گرفتم تلویزیون نداشته باشم، اما این باعث نمی‌شود که خود را مردی مستبد در خانه بدانم. خیلی ساده است: همه ما، من، همسر و فرزندانمان فقدان آن را حس نمی‌کنیم. در ضمن، تلویزیون هرگز نه باعث لذت من شده و نه بر دانش من افزوده است. این ادعا با توجه به اینکه از جانب مردی اهل علم مطرح می‌شود، درخور تحسین است. شاید شگفت‌آورتر آن باشد که کسی که کار خود را بر مبنای مطالعه واقعیت و ثبت جدی رویدادهای روزانه پایه‌ریزی کرده، از «پنجره رو به دنیا» بی‌نصیب باشد. منظورمان «گراتسیافرانچسکاتو» خانم روزنامه‌نگار طرفدار «محیط زیست» است که می‌گوید: «دقیقاً همین شغلم باعث شده بود که مدت‌های مدیدی پیش از اندازه در معرض هجوم اطلاعات و اخبار قرار بگیرم. اگر خودم را در برابر تلویزیون سست بکنم، دیگر وقتی برای خودم، اندیشه‌ها و دغدغه‌هایم باقی نمی‌ماند.»

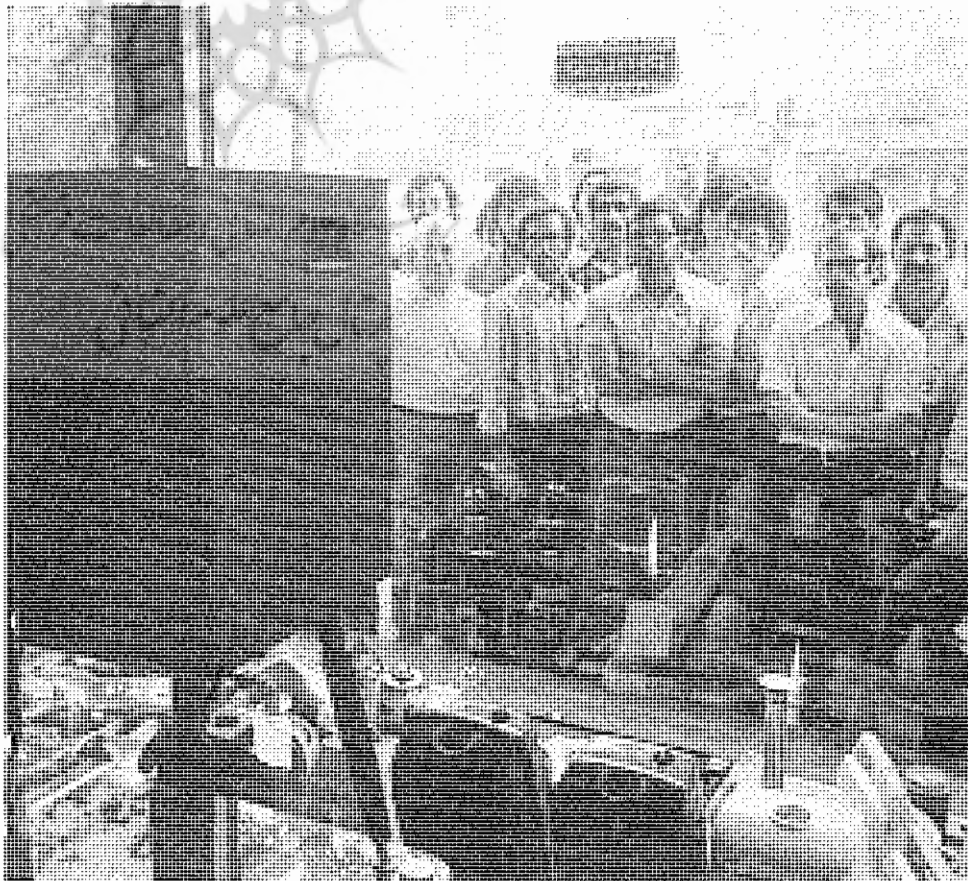
پس درباره «کارلو کاتانئو» اهل بولونیا، استاد جامعه‌شناسی سیاسی و مدیر یک موسسه تحقیقات اجتماعی چه باید گفت که هشت سال آژگار است - خواه در منزل یا اداره - بدون تلویزیون زندگی می‌کند. این‌گزینه‌ها برای پروفیسور «آرتورو پاریزی» - یک «مسخ شده حرفه‌ای» - انتخابی دردآور بوده است. وی توضیح می‌دهد: «همیشه جذب هر گونه پیامی می‌شدم که از هس رسانه‌ای پخش می‌شد و بالاخره زمانی احساس نیاز پیدا کردم که در برابر این وابستگی قوی عکس‌العمل نشان بدهم. در خانواده ما به‌طور عمده من بودم که به‌خاطر کنجکاوی مفرطم، بر شدت وابستگی خودم به این «معجون برقی» می‌افزودم. در واقع تلویزیون بخصوص منبع اطلاعاتی مشتقت‌باری است که بهره‌جویی انتقادی از آن کار عظیمی می‌طلبد، زیرا باید در آن واحد سه بعد کلمه، صوت و تصویر را زیر نظر گرفت و احتمال آنکه در یک لحظه در اثر غفلت به دام وابستگی بیفتیم، زی‌ساده است.» پساریزی خاطر نشان می‌سازد که زندگی بدون تلویزیون خللی در روابط شخصی یا حرفه‌ای وی به‌وجود نیاورده و یا وی را از جریان انبوه اطلاعات خارج نساخته است: «جز در یک مورد و آن زمانی بود که چهار سال قبل برنامه «رتسوار بوره» با عنوان «شب زنده‌داران» پخش شد.» پروفیسور نتیجه می‌گیرد: «به‌سادگی نیاز به ترک آن را حس کردم و همان‌گونه که در ابتدایی‌ترین ضوابط بهداشتی توصیه می‌شود، تحت رژیم قرار گرفتم.»

جبهه‌مخالفان تلویزیون که «رژیم تلویزیونی» را سرلوحه مخالفت خود قرار داده‌اند، به آرامی اما بی‌امان گسترش می‌یابد. چند سال قبل نیز در نیویورک «جون ویلکینز» یک مادر آسوده‌خاطر خانواده، دستورالعملی به نام «ترک عادت به تلویزیون» منتشر کرد که طی آن شیوه

قرن هفدهم را دوست دارم. نظر من در مورد تلویزیون منفی است. وقت را تلف می‌کند و مانع از رشد آزاد شخصیت می‌شود.»

همین وارستگی از تلویزیون در خانواده «روجر و پیه رانتونی» کارشناس زیست‌شناسی در موسسه بیوفیزیک دانشگاه جنووا نیز محسوس است. وی تمایلات ادبی دارد. (کتابی با نام «چشم و فکر» توسط سازمان انتشاراتی بسورینگیری به چاپ رسانده) وی صاحب سه‌فرزند است. پیه‌رانتونی متذکر می‌شود: «والدین من تلویزیون خریده بودند، اما من آن را تماشا نمی‌کردم، البته به استثنای برنامه «می‌گذاری یا اضافه می‌کنی؟» که فرصتی بود

تلویزیون را تحریم کرده‌ام چون اثر مخربی روی هسته خانواده دارد. تصویرها، واژه‌ها را می‌کشند، ارتباط را منتفی و تخیل را خاموش می‌کنند.» به گفته وی نتیجه‌های به دست آمده رضایت‌بخش بوده است. اکنون سه‌فرزند وی به سه زبان سخن می‌گویند، پیانو می‌نوازند، تنیس و اسب‌سواری می‌کنند و بخصوص «بسیار مطالعه می‌کنند و نوشتن بلد هستند». اما شاید چندان تفریح نمی‌کنند و شاید آمیلیا، دختر هفده‌ساله پانه دوست داشته باشد فستیوال سانرمو یا شوی «فانتاستیکو» را تماشا کند. به هیچ‌وجه! آمیلیا پاسخ می‌دهد: «سانرمو؟ از آن متنفرم. من موسیقی باروک یا موسیقی روسی



ک اعتیاد»، اعتیاد به چیزی که دیگر به یک
 و سوسه‌انگیز ملی مبدل شده، در عرض
 ر هفته آموخته می‌شد. «ماری وین» خانم
 سنده آمریکایی پس از موفقیت کتاب «مخدر
 »، نخستین بررسی پیرامون تاثیر تلویزیون
 بچه‌ها، کتاب «قطع مخدر برقی» را منتشر
 نت و برخی هم موفق شدند جریان برق خود
 طع کنند. خودوی تعریف می‌کند: «مؤسسه
 ماراتی پنگوئن برای انجام تبلیغات در مورد
 ب دوم من در سال ۸۷ از اقشار مختلف
 ت به عمل آورد که برای مدتی تلویزیونها را
 وش کنند.» در واقع به یمن آموزش معلمان
 دین، بسیاری از کودکان آمریکایی امروزه
 یج کشف می‌کنند که ورزش و بازی در هوای
 یا مطالعه یک کتاب می‌تواند بسیار لذت
 رتر از تماشای تلویزیون باشد.

قیقاً در راستای همان متنهای «مقدسه»
 و جری ماندر (نویسنده کتاب پر فروش دیگر
 یکایی با عنوان «چهارمقاله درباره حذف
 یزیون»)، دو سال قبل در فلورانس، گروهی از
 مان به رهبری «استفانو بورسلی» یک
 دیه دفاع در برابر هجوم تلویزیون را تشکیل
 ند و از پدرها، مادرها و کودکان دعوت
 ند که همگی باهم تلویزیونها را خاموش
 د. این اتحادیه با صد نفر عضو - و حالتی
 ل بورسلی «غیر مذهبی امانه تکفیر آمیز
 به منظور اسطوره شکنی... به هواداری از
 نهاده «شنبه ضد تلویزیونی» پیشنهاد قانونی
 کله بوتو»، نماینده سابق طرفدار محیط
 ت برخواست که تا به حال طرفداران زیادی
 ته است. طبق پیشنهاد و تبلیغ اتحادیه هر
 از ساعت ۷ صبح تا نیمه شب تلویزیونها
 خاموش شوند. البته جز زمان بخش
 های کوتاه در دو نوبت: از ساعت ۱۳ تا ۱۳/۵
 تا ۲۰/۵.

تلویزیون زدگان می‌توانند در انتظار تحقق
 پیشنهاد، بتدریج با مقاله‌هایی در مورد
 دگان تلویزیون، خود را «اصلاح کنند».
 مچنین جادارد از زحمتهای
 طلو کوآتروکی» در نگارش کتاب «چگونه
 باید از خود در برابر تلویزیون دفاع کرد»
 پ مارماوشر کا) یاد شود. کوآتروکی خبرنگار
 یگزین» در سالهای هفتاد (که روزنامه ضد
 عات «خالو» را تأسیس نمود) که امروزه از
 اران حزب طرفدار محیط زیست شده،
 انه بیلاقی خود در «جونکاریکو» واقع در
 کی کاستیلیون دلا پسکایا، دستگاه
 یون دارد، اما از زمانی که چند سال قبل
 فت دختر دو ساله‌اش بیش از اندازه جذب
 د، دیگر از تلویزیون استفاده نمی‌کند.
 هادهای کوچک وی برای گریز از تلویزیون
 ی عبارتند از: تنها یک تلویزیون داشته
 د، وقتی آخر هفته به سفر می‌روید آن را
 د همراه نبرید، آن را در مرکز اتاق که محل
 و آمد است، قرار ندهید، بلکه آن را به
 ی غیر معمول منتقل کنید، از دستگاه ویدئو

خاله زنک بازی بادوستان خود، کودکان لذت
 بازی در پارکهای کوچک و همگی لذا مطالعه
 چند کتاب بیشتر را بار دیگر کشف می‌کنند.

اسپرسو - چاپ ایتالیا

نها در مواقعی استفاده کنید که برنامه‌ای واقعاً
 برایتان جالب باشد.

خلاصه، با کمی حسن نیت و اندکی تیزهوشی
 می‌توان تلویزیون زندگی را درمان کرد. چنانچه
 هنوز تردیدهایی باقی مانده، کافی است آنچه
 در آرژانتین رخ می‌دهد را مشاهده کنیم تا به
 طور قطع متقاعد شویم که با ویدئوی خاموش هم
 می‌توان خوب زندگی کرد. در واقع در این
 کشور آمریکای جنوبی به علت بحران شدید
 اقتصادی و کمبود نیروی برق، ماههاست که
 تلویزیون تنها چهار ساعت در روز از ساعت ۲۰ تا
 ۲۴ برنامه دارد، و تسابه حال هیچ کس هم
 اعتراضی نکرده است. بلکه خانمها لذت

